

بحثی درباره رسم الخط فارسی

- ۲ -

یادآوری - این کلمات اگر مخفف شوند باید با يك و او نوشته شوند مانند .

ز شاهان کسی چون سیاوش نبود

چو اوراد و بیدار و خامش نبود

(فردوسی)

وانکه به کف آورد به شمشیر مکافات

پیشاور و دهلی و لهاور و دکن را

(بهار)

امروز مردم سیاوش را به فتح و او نیز تلفظ می کنند . سیاوش در این صورت برخاسته از صورتی دیگر از این کلمه است یعنی برخاسته از سیاوخش است: جهاندار نامش سیاوخش کرد (فردوسی) .

۱۰- بین «به» حرف اضافه و این، آن، ایشان و او گاهی صامت «د» حائل می گردد و «به» در این موارد متصل نوشته می شود مانند بدین، بدان، بدیشان، بدو، بدانجا، بدینسان . بنا بر این جدا کردن «به» در این موارد درست نیست . امروز اینگونه استعمال کمتر است و بیشتر در آثار کهن گرایان دیده می شود ولی در قدیم فراوان بوده است.

یادآوری - «بد» (به فتح ب) در این عبارات صورت کهنه تریست از «به» که دال آن در موارد یاد شده دوباره ظاهر می شود.

۱۱- در نوشتن کلمات فارسی و غیر عربی که با حروف خاص کلمات عربی نوشته می شوند باید از عادت پیروی کرد بخصوص در کلماتی که از قدیم تا کنون با اینگونه حرفها نوشته شده اند مانند اصطخر، اسفهان، بسطام، شست، شطرنج، صد، سندی، طارم، طاس، طالش، طبرخون، طبرزد، طبرستان، طیس، طپیدن، طشت، طوس، طهماسب، طهورث،

طیلسان ، طاق ، غلطیدن ، قالی ، قلیان ، قهستان . بنابراین نباید نوشت: استخر ، اسفهان ، بستم ، شترنج ، سد ، سندلی وغیره .

۱۲- برخی از کلمات را در فارسی به دو وجهی نویسد ولی آنها را بیک صورت می خوانند مانند چهار که هم باواو وهم بدون آن (به صورت دچار و دوچار) نوشته می شود و بعضی از واژه ها را به دو صورت مینویسند و می خوانند مانند : «چهل و چهار» که صورت دیگر آن «چل و چار» است . در این موارد رعایت اصل کلمه و مراعات مطابقت نوشته با گفته بهتر است مثلاً در کلمات یاد شده صورت دچار و چهل و چهار مناسب تر است .

۱۲- واو غیر ملفوظ «عمر» در فارسی هم مثل عربی باید نوشته شود تا کلمه با «عمر» اشتباه نشود .

۱۳- در فارسی رسمی و نوشتار هجده ، هفده و هژده را بهتر است به همان صورتی که دیدیم بنویسیم نه به شکل هیجده ، هیفده و هیژده .

نوشتن کلمات مرکب

تعریف - کلمه مرکب آنست که از دو یا چند کلمه که بتوانند مستقلاً بکار روند بوجود آمده باشد بطوری که اجزای آن دیگر استقلال دستوری خود را از دست داده باشند (۱) .

در زبان فارسی اصل در کلمات مرکب جدا نویسی است یعنی اجزای کلمات مرکب را بیشتر جدا از هم می نویسند ولی بر روی هم برای جدا یا پیوسته نوشتن اینگونه واژه ها قاعده معین و مشخصی در دست نیست و خط فارسی از این لحاظ دستخوش هرج و مرجست و در این موارد عادت بهترین معیار است . مثلاً دانش آموز را جدا و دانشجو و گلاب و دلارام را سرهم می نویسند در حالی که بعضی از کلمات یاد شده از لحاظ دستوری وضع مشابهی دارند . اینقدر هست که کثرت استعمال و کوتاهی اجزای ترکیب و وجود حروف متصله در سرهم نوشتن اجزای کلمه مرکب نقش مهمی دارد مانند: گلاب ، دلارام ، مهمانخانه و همچنین دراز شدن و زشتی شکل کلمه ، کم استعمالی ، تفتن در خوشنویسی ، تازه بودن لغت مرکب وجود ساختمانهای ترکیبی خاص و وجود

۱- برای تشخیص معیارهای کلمه مرکب به مقاله نگارنده در مجله وحید سال ۱۳۵۰ رجوع کنید .

حروف منفصل در جدا نوشتن اجزاء کلمه مرکب مؤثر است مانند :
مسلسل ساز ، اتومبیل فروش و گل آرا.

موارد جدا نویسی کلمات مرکب- کلمات مرکب را در این موارد
معمولا جدا می نویسند :

۱- کلماتی که جزء دومشان باد آه شروع می شود مانند دانش آموز، جان آفرین، عشق آفرین ، دست آموز. این قاعده درباره کلمات مشتق نیز صادقست مانند برق آسا و گرگ آسا.

ولی بعضی از همین قسم کلمات که استعمالشان در زبان بسیار است سرهم نوشته می شوند در این صورت مد آنها می افتد مانند: سیلاب، گلاب، دلار، دلارام، گرمابه، سرخاب، مرغاب، غرقاب، پیشاهنگ، هماواز، هماورد. در بعضی از ترکیبات نیز مد می افتد بدون آنکه اجزاء به هم بچسبند مانند شاداب، مرداب، گرداب.

۲- مرکبهائی که از مضاف و مضاف الیه یا صفت و موصوف ساخته شده اند مانند تخم مرغ و گل سرخ.

۳- مصدرها و افعال مرکب مانند اخراج کردن و انجام دادن ولی نگاهداشتن و رویدادن و نشان دادن و دل بستن را می توان از این قاعده مستثنی کرد.

۴- صفات و اسمهای مرکب ماخوذ از فعل مرکب یا گروه فعلی مانند: اخراج شده، از دست رفته، کم گشته، دست پرورده. بعضی از اینگونه کلمات مانند گمشده از این قاعده مستثنی هستند.

۵- در مواردی که جزء اول با مصوت فتنحه یا کسره (هائ غیر ملفوظ) ختم می شود مانند: کشته شده، زده شده، خانه خراب، بچه گریه. این قاعده در باره واژه های مشتق و غیر مشتق پسوندی نیز صادقست مانند حیل گری، دیوانه وار، پیشه ور، خانه ها، گله مند، علاقه مند.

۶- در ترکیبات عطفی مانند: شست و شو، خس و خاشاک، بزنی و بکوب.

۷- در ترکیباتی که از دو فعل بوجود آمده باشند مانند بزنی بزنی، بزنی

بکوب. کشمکش و کشاکش از این قاعده مستثنی است .

۸- در ترکیباتی که جزء اولشان « بی » است بخصوص آنهایی که جزء دومشان باهمزه آغاز میشود مانند: بی ادب ، بی آرام ، بی انصاف ، بی نیاز ، بی بار ، بی نظم ، بی تربیت و یا آنهایی که قسمت دومشان خود دارای دویاچند جزء است مانند بی دردرس ، بی سروصدا ، بعضی از اینگونه کلمات مانند بیسروسامان رامیتوان از این قاعده مستثنی دانست . در قیدها و متمم های قیدی که بای ساخته میشوند نیز بهتر است «بی» را جدا نوشت مانند بی تونمی روم ، بی سپاه آمد .

۹- در مرکبهای بلند و آنهایی که سرهم نوشتنشان ایجاد اشتباه می کند مانند: مسلسل ساز و اتومبیل فروش ، شماتت ورزی ، عدالت شعار و رستم صولت .

۱۰- در کلماتی که بر اثر عادت جدا نوشته میشوند مانند پیش در آمد

پس فردا ، پس پریروز . (نا تمام)

تذکر و تصحیح

در فهرست دوره دهم اشتباهاتی روی داده است خواهشمند

است که خوانندگان گرامی چنین اصلاح فرمایند :

تدین (عطاالله) معرفی کتاب تاریخ روابط ایران و عراق

ص ۱۲۷۹

مدرسی چهاردهی «مرتضی» داستانهای از میرزای جلوه

ص ۲۱۱

حکیم ملاعلی سمنانی ص ۷۹۰ این خلدون از نظر مستشرق

روسی ص ۱۱۳۸